

بررسی مهارت های ارتباط کلامی ابوسعید ابوالخیر در اسرار التوحید و سعدی در گلستان

بهاره موذن

دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه علوم تحقیقات تهران

چکیده

یکی از مهمترین علوم که امروزه بسیار مورد اقبال و توجه محققان در حوزه های مختلف قرار گرفته است ارتباط کلامی و شیوه های برقراری آن با مخاطب و اصول و راهکارهایی است که در آثار ادب فارسی به وفور یافت می شود. این نوع ارتباط مهم ترین نوع ارتباط شناخته شده و به فهم بهتر متون و پیام گوینده کمک شایانی می کند، در ادبیات فارسی نیز آثار و نوشته های ارزشمندی وجود دارد که هدف آن ها سوق دادن بشر به آرمان های اخلاقی و تربیتی است. بزرگان ادبی چون سعدی و ابوسعید ابوالخیر از جمله مربیان بزرگ اجتماعی هستند که برای تبیین دیدگاه های خود از مهارت های کلامی مشابهی همچون ایجاز و سادگی لفظ، استشهاد به آیات و احادیث، بذله گویی و طنز، استفاده از تمثیل و شعر در خلال کلام بهره برده اند و ادبیات را در خدمت رشد و تعالی انسان درآوردند و آثارشان را وسیله ای برای تعلیم و تربیت بشریت و اصلاح جامعه قرار داده اند. در پژوهش حاضر نگارنده به بررسی شماری از این نوع مهارت های کلامی به عنوان ابزاری برگسترش اخلاق در جامعه پرداخته است.

واژه های کلیدی: ارتباط کلامی، اسرار التوحید، گلستان، مهارت های ارتباط کلامی

مقدمه

یکی از مهم ترین اهداف ارتباطی که امروزه بسیار مورد توجه قرار گرفته است گسترش افق دید و شناخت بهتر خود و جهان است که منجر به ایجاد جریان فکری و یا تقویت نوعی تفکر در انسان می گردد. اما اینکه تا چه حد خواننده و شنونده بتواند با کلام ارتباط برقرار کند و درک مشابهی از پیام فرستنده داشته باشد، بستگی به میزان شناخت کامل از شخص گوینده یا نوع تفکری است که در آن پیام ساری و جاری است. اما آن چه نقش ویژه ای در این ارتباطات ایفا می کند بکار بردن شگردها و روش های مهارت های کلامی می باشد که با توجه به هدف گوینده و نوع پیام متفاوت است. از جمله این مهارت ها:

۱. ایجاز و ساده گویی که باید متناسب با زبان توده مردم و ظرفیت فکری آن ها انتخاب شود

۲. استشهادهای آیات و احادیث

۳. استفاده از شعر در خلال کلام

۴. زبان تمثیل که غالباً در ارتباطات کلامی صوفیه مشهود است

از این رو برای نشان دادن میزان تاثیر ارتباط کلامی بر مخاطب از میان آثار ادب فارسی سعی شد به دو اثر که هر چند به لحاظ بعد زمانی از هم دور هستند، اما از جهت بکارگیری شیوه های مختلف ارتباط کلامی دارای همسانی های فراوانی هستند یا به قولی از سخن و کلام به عنوان ابزاری بهره می برند تا رسالت خود را ایفا کنند و دغدغه مشترک آنها صلاح و رستگاری جوامع بشری است، پرداخته شود. در میان این آثار، گلستان سعدی و اسرار التوحید دو کتابی که دارای رگه های تصوف هستند برگزیده شد تا با بررسی وجوه اشتراکات روشهای ارتباطی به فهم بهتر متون کمک شود. سعدی و ابوسعید به عنوان معلمان اخلاق و مصلحان جامعه بشریت تمامی هم و غم خود را در این راه معطوف داشته اند تا انسان ها را از ناآگاهی ناخواسته رهایی بخشند و راه بهتریستن را برای آنها هموار سازند. این دوشخصیت برجسته ادبی در گفتارشان با به تصویر کشیدن جنبه های خوب و بد صفات انسانی، خواننده را به تعمق و تدبیر وادارند. سعدی در شاهکار خود "گلستان" و ابوسعید در سخنان خود، به منزله مصلحان و معلمان خردمند، جویندگان فضیلت را گاه با بیان حکایتهای نغزوشیرین و گاه با بیان حجت و برهان به شناخت خوب و بد رهنمون می کنند.

روش تحقیق

این روش به شیوه توصیفی-تحلیلی بوده است و در تلاش است تا با تکیه بر اقوال سعدی و ابوسعید به ترسیم الگوی ارتباط کلامی بپردازد. از این روی ابتدا به نوع مخاطب و طرز تفکر هر دو گوینده می پردازیم و سپس با توجه به شواهد به نقش های ارتباط کلامی حاصل از هر دو اثر پرداخته می شود.

سعدی و گلستان

" گلستان" سعدی حاوی حکایت های منظوم و منثور است که با زبان شیوا و نغزوشیرین به رشته تحریر کشیده شده تا مضامین و نظرهای دینی و اخلاقی موجب آزردهی و خستگی خواننده نشود. این اثر دارای هشت باب است و به گفته مرحوم دکتر عبدالحسین زرین کوب در کتاب "حدیث خوش سعدی" سعدی اهل سخن بود. " سعدی گمراهی ها، سرگشتگی ها و بی سامانی های تاثیر انگیز را می دید و تلاش می کرد تا انسانها را از گمراهی رهایی بخشد [...] تلاش می نمود تا آنجا که ممکنست با موعظه، با نصیحت و حتی با ملامت و در صورت نیاز حتی با کلامی ستایش گونه مردم را برای شنیدن حرف حق آماده کند". (زرین کوب، ۳۵/۴: ۱۳۸۶) در واقع سعدی " به عنوان یک مصلح اجتماعی که همه جانبه همه مصلح اجتماعی را مطرح کرده، هیچ جهتی را به تنهایی نگرفته و قصدش واقعا " یک تربیت ساده اجتماعی بوده است (" اسلامی ندوشن، ۱۰۱ : ۱۳۸۱)

ابوسعید ابوالخیر و اسرار التوحید

اسرار التوحید فی مقامات الشیخ ابی سعید، یکی از مهمترین متون منثور عرفانی است که علاوه بر اشتمال آن بر اندیشه‌ها، شیوه‌های سیر و سلوک اهل تصوف، آداب و رسوم صوفیان از نظر ادبی نیز اهمیت فراوانی دارد. این اثر به دست یکی از نوادگان با سه واسطه به ابوسعید، یعنی محمد بن ابی سعد بن ابی طاهر، نوشته شده است و این در حالیست که یکصد و سی و چهار سال از وفات ابوسعید سپری شده بود. ابوسعید ابوالخیر عارف و صوفی قرن پنجم و یکی از شخصیت‌های مطرح در عرصه عرفان و تصوف است که با هنجارگریزی و عدول از چارچوب عزلت نشینی صوفیان و عارفان و با برقراری ارتباط کلامی با مخاطبان خود و به کارگیری روش‌های مهارت کلامی توانست بر تأثیر هرچه بیشتر کلام خود بیفزاید. بوسعید برای تبیین دیدگاه‌های خود از قالب حکایات آمیخته با اشعار و آیات و احادیث استفاده می‌کند تا مخاطب را با مفهوم و غایت اندیشه خود هر چه بیشتر آشنا سازد. آنچه در این مقال جلب نظر می‌کند شیوه‌های برقراری ارتباط او با مخاطبان است.

تحولات سیاسی و اجتماعی بر رفتار و گفتار بوسعید ابوالخیر

بوسعید به شهادت رفتار و گفتار خود عارفی اجتماعی است. انزوا و گوشه نشینی برای او معنایی ندارد. او تمام عمر خود را به آموزش، حمایت و هدایت مردم صرف نمود. رفتار و گفتار او نشان می‌دهد که توجه و آشنایی کامل نسبت به حوادث سیاسی و تحولات اجتماعی عصر خود داشت و با آگاهی تمام و اشراف کامل بر ضعف‌ها و انحطاطات جامعه و افراد آن، به مقابله و اصلاح پرداخت. می‌توان گفت قول و فعل بوسعید حاصل شناخت و درک عالمانه و عارفانه او از انسان و اجتماع بود و با وضعیت سخت روزگار او تناسب کامل داشت. اصلاح‌گری و مقابله با ناهنجاری‌ها هدف همه رفتارهای بوسعید بود، برای این منظور از زبان توده مردم و متناسب با ظرفیت آنان استفاده می‌نمود. او از این نظر راهی متفاوت با صوفیان دیگر طی کرد و به جای پوشانیدن اندیشه‌های خود در لفافه الفاظ خاص، نوع بیانش را در سطح فهم عوام پایین آورد. (نویا، ۱۳۷۳، ۱۶)

تحولات سیاسی و اجتماعی و تصوف در روزگار سعدی

سعدی در گلستان خود توانسته است به لطف و مهارت تمام، از چهره واقعی روزگار خود پرده بردارد و اندوخته‌هایی از تجارب و دانایی‌های فراوان خود را در اختیار مخاطب قرار دهد. گلستان به گواه غلامحسین یوسفی، «بازتاب صادقی است از آنچه در زمانه سعدی رخ داده و نمودار واقعیت‌های خوب و بد آن روزگار است. بنابراین گفته می‌شود اوضاع اجتماعی عصر سعدی در گلستان متجلی است و این یکی از امتیازات بارز کتاب است، سخنی نادرست نیست» (سعدی، ۱۳۸۱، ۳۳) همچنین سعدی مسلماً از طریق مطالعات خود در کنار افاضل و بزرگان صوفیه زمان با این نوع عوالم انس و الفتی دارد. بازتاب شیوه تفکر و نوع قدرت این صوفیان در جامعه و به تبع آن در حکایات گلستان ما را به تحقیق در این اثر می‌کشاند.

شیوه‌های ارتباط کلامی در گلستان و اسرار التوحید

۱- ایجاز و ساده‌گویی

سخن باید نمایانگر ویژگیها و حالات درونی گوینده باشد تا بتواند اندیشه انسان را عیناً انعکاس دهد؛ البته باید متذکر شد که اصولاً ظرف اندیشه از ظرف کلام بزرگتر است و نمیتواند در آن بگنجد؛ از این رو، گوینده باید توانایی‌هایی بدست آورد تا ظرف و مظهر را تا آنجا که میتواند، متناسب سازد و اندیشه‌ها و افکار خود را با الفاظی زیبا و رسا برای دیگران تبیین نماید. از طرفی ویژگیهای مخاطب یکی از مهمترین عواملی است که نحوه سخن گفتن گوینده را تعیین مینماید. میتوان گفت بخشی مهم از کلمات و عبارات گوینده و زمینه‌های بحث او بر اساس زمینه‌های فکری و دایره کلمات و آگاهیهای مخاطب شکل می‌گیرد؛ بنابراین، زمینه‌های ذهنی مخاطب هم بی‌تأثیر در کیفیت و میزان سخن نمی‌باشد.

هنجارگریزی به منظور برجسته‌سازی کلام و افزودن بر قدرت تأثیر کلام ویژگی بارز سخنان ابو سعید است. یکی از مهم‌ترین عواملی که بوسعید را به ایجاز و میدارد هدایت مخاطبان از طریق تعلیم و تنبیه است و از آنجا که مخاطبان ابوسعید تمامی اقشار جامعه را در بر می‌گیرند، چه صوفیان و مریدان و چه افراد زحمت‌کش و عامی، شیخ به ناچار زبان ساده را بر می‌گزیند تا مخاطبش قادر به درک و دریافت اشارات او باشد، دلیل دیگری که برای ادعای ایجاز سخن ابوسعید میتوان ارائه

کرد، این است که ابوسعید فردی صوفی (عارف) مسلک است و صوفیه به سخن گفتن به اشاره، بیش تر گرایش داشتند تا به شرح و تفصیل. پس کوتاه سخنی و فشرده گویی ابوسعید، امری است پذیرفتنی. در گلستان سعدی نیز مخاطبان تمامی اقشار جامعه هستند با این تفاوت که خود سعدی مخاطبانش را در باب های مختلف تقسیم بندی نموده و از آنجا که در جامعه سعدی، صوفیه از عالمان دین هم نقش برجسته تری داشته اند. بنابراین در گلستان پادشاهان و صوفیه برجسته تر از طبقات اجتماعی دیگر ظاهر شده اند. بنابراین دو عامل توجه به صوفیه و صوفی گرایی و اقشار مخاطبین، ایجاد در سخن را می طلبد چرا که همانطور که در بالا به آن اشاره شد، صوفیه به فشرده سخن گفتن گرایش بیشتری داشتند تا مفصل گویی.

۲- استشهاد به آیات و احادیث

گاهی نویسندگان علاوه بر جنبه تعلیم و تنبیه مخاطبان و تایید کلام و اثبات حقانیت کلام خود، آیات و احادیثی را به عنوان شاهد مثال می آورد که این خود نشان دهنده تسلط بر کلام الله و احادیث است. در کلام سعدی و ابوسعید از این قبیل موارد به وفور یافت می شود:

« شیخ ما گفت: اهل دنیا صیدشدگان ابلس اند به کمند شهوات و اهل آخرت صید شدگان حق اند به کمند اندوه: قال الله تعالی لا تَفْرَحْ اِنَّ اللهَ لَا يُحِبُّ الْفَرِحِينَ (ابن منور، ۱۳۶۶، ۲۹۷)»
 « شیخ ما گفت: اِنَّ اَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللهِ اَنْفُسُكُمْ و پرهیز کردن، از خودی خود است و از این معنی بود که چون تو از نفس خود پرهیز کردی، به وی رسیدی و هذا صِرَاطٌ رَبِّكَ مُسْتَقِيمًا

گلستان سعدی نیز از این امر مستثنی نمی باشد بطوریکه به چند طریق از قرآن بهره برده است. مانند: مقدمه گلستان که با تاسی از آغاز قرآن تنظیم شده است مانند عبارت منت خدای را عَزَّ و جَلَّ که بعد از بسم الله الرحمن الرحيم، ترجمه الحمد لله رب العالمین است. در جایی با بکار بردن صریح آیات به اقتضای کلام مانند (اعملوا آل داوود شکرًا و قلیل من عبادی الشکور) و در جایی دیگر، ذکر مضامین قرآنی بدون استفاده صریح از آیات مانند: باران رحمت بی حسابش همه جا رسیده، و خوان نعمت بی دریغش همه جا کشیده (= رحمن). علاوه بر اینها، در شیوه بیان هم از کلام الله، درسها گرفته و به پیروی از قرآن از حکایات و داستانهای کوتاه و متناسب با مفاهیم متن بهره می برد.

۳- استفاده از اشعار

استفاده از اشعاری که به حیث بافت جمله بندی بسیار نزدیک به الگوهای جملات منثور است، بر قدرت نفوذ سخن و تأثیر پذیری بیشتر آن کمک شایانی می کند. گاهی گوینده برای جلب توجه مخاطب به موضوعی مهم به منظور تعلیم، تنبیه و ایجاد نگرشی عمیق و پایدار به شعر روی می آورد. چنانکه ابوسعید با استفاده از این نوع ظرفیت های زبانی (شعر) بخصوص در قالب رباعی پیام های اخلاقی و تربیتی را می رساند. این اشعار که بیشتر سروده خود شیخ می باشد به دلیل برخورداری از ساختاری کوتاه نکته های ظریف و اساسی را در خود جای می دهد. و به گفته شفیع کدکنی در بیشتر قوالب شعر فارسی، همیشه فرم شعر است که بر تجربه شاعران تقدم دارد ولی در رباعی لحظه و تجربه شاعری، غالباً بر فرم مقدم است (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۹، ۱۲). در گلستان سعدی نیز بمانند بسیاری از دیگر مؤلفات و مُصَنَّفَاتِ پیشینیان ما، شعر به وفور یافت می شود که آن سخن را از سیاق عادی عبارات منثور کتاب جدا کرده و برجستگی و تمایز بخشیده است. مانند: "درویشی مستجاب الدعوه در بغداد پدید آمد. حجاج یوسف را خبر کردند. بخواندش و گفت دعای خیری بر من بکن، گفت خدایا جانش بستان. گفت از بهر خدای این چه دعاست؟ گفت این دعای خیر است ترا و جمله مسلمانان را

. ای زبردست زبردست آزار! گرم تا کی بماند این بازار؟

به چه کار آیدت جهانداری؟ مردنت به که مردم آزاری" (سعدی، ۱۳۷۰، ۲۵)

۴- استفاده از تمثیل

تمثیل در پیام رسانی از جایگاه ویژه ای برخوردار است و از قدیم ترین ایام در کانون توجه خطیبان و اهل بلاغت بوده است. ارسطو در کتاب رتوریک مثال داستانی را یکی از ابزارهای خطیب برای اقناع مخاطب می‌شمرد (ارسطو، ۱۳۷۱، ۱۵۶) کاربرد فراوان این ابزار بلاغی در گلستان سعدی و اسرار التوحید در غالب موارد با هدف ابلاغ پیامی اخلاقی و تعلیمی همراه است و هم سعدی و هم ابوسعید ابوالخیر، به نحو موثر و کار آمدی از آن بهره برده اند.

ابوسعید در سخنان خود گاهی برای جلب توجه مخاطب به موضوعی مهم به منظور تعلیم، تنبیه و ایجاد نگرشی عمیق و پایدار به شگردهایی مبتکرانه در کاربرد تمثیل متوسل می‌شود، چنان که ابتدا با تحریک غریزه طمع ورزی مستمعان، آنان را متوجه رخنه این صفت در عمق وجودشان می‌سازد و آن گاه به بی توجهی به زخارف دنیوی و التزام خدمت پروردگار ترغیبشان می‌کند. در واقع بوسعید در میان کلام خویش برای تفهیم مقصود خود به مخاطب، حکایتی بر وجه تمثیل (زبان غیر مستقیم) می‌آورد تا با استفاده از ظرفیت آن برای ارشاد، تعلیم و تنبیه مخاطب تاثیر بیشتری بگذارد.

تمثیل در گلستان سعدی با لطافت و ظرافت هنری خاصی همراه می‌شود. سعدی نیز از این ابزار بیانی به منظور تعلیم اندیشه های اخلاقی بهره برده است در واقع سعدی با استفاده از این آرایه در پی زیباتر کردن و در عین حال تأثیر گذار تر کردن اندرزهای خود برآمده است. غالب تمثیل های سعدی ملموس و طبیعی است و با در پیش گرفتن این شیوه دایره مخاطب خود را به طرز آشکاری گسترش داده است. مانند: مشک آنست که خود ببوید نه آن که عطار بگوید. دانا چو طبله عطار است خاموش و هنرنمای و نادان چو طبل غاری بلند آواز و میان تهی (سعدی ۱۸۰)

۵- استفاده از طنز و بذله گویی

استفاده از طنز برای انتقاد از اعمال و رفتار طبقات مختلف است. بیان و رفتار بوسعید همواره آمیخته با طنز است و این ویژگی فصل مشترک قریب به اتفاق رفتارهای او به حساب می‌آید. طنز بوسعید گاهی عبارت از همان نوع رایج و معمول کنایه است. یک زمان بصورت تصویری از اجتماع نقیضین به شمار می‌رود و گاهی به شکل بازی با کلمات دیده می‌شود و در هر صورت لطیف و زیبا و انسانی است و همه چیز و همه کس را شامل می‌شود. طنز بوسعید تصویری از حقایق تلخ جاری در میان طبقات گوناگون مردم روزگار اوست که با نکته سنجی و دقت تمام واقعیت را میبیند و آن را بر ملا می‌سازد. این طنز کاملا با مسایل و اتفاقات اجتماعی و سیاسی روزگارش در ارتباط است و تاثیر پذیری او در این شیوه، از حوادث جاری روزگار آشکارا دیده می‌شود.

ساختار بسیاری از حکایت های گلستان هم ترکیبی از مسایل اجتماعی اخلاقی است که اغلب رنگ و لعابی بذله آمیز دارد. «این نگاه شوخی آمیز همراهِ با مسایل اجتماعی و اخلاقی در غالب حکایت های کلاسیک فارسی مشهود است و تنها مختص گلستان نیست، اما گلستان در رأس همه آن ها قرار دارد» (بالایی، ۱۳۶۶، ۶۵)

نتیجه گیری

سعدی و ابوسعید به عنوان معلمان اخلاق و مصلحان جامعه بشریت تمامی هم و غم خود را در این راه معطوف داشته اند تا انسان ها را از ناآگاهی ناخواسته رهایی بخشند و راه بهتریستن را برای آنها هموار سازند. در هر دو سخنان سعدی و ابوسعید مخاطب محوری نقش اساسی را ایفا می‌کند مهمترین هدف هر دو از گفتن و برقراری ارتباط کلامی اقناع مخاطب و تأثیر بر او است. راههای ارتباط کلامی با مخاطبان در هر دو اثر:

۱. ایجاز و ساده گویی که باید متناسب با زبان توده مردم و ظرفیت فکری آن ها انتخاب شود
۲. استشهاد به آیات و احادیث

۳. استفاده از شعر در خلال کلام

در پایان می توان نتیجه گرفت سعدی و بوسعید بعنوان مشعل داران خصائل نیک انسانی سعی نموده اند با آثار خود جادۀعُبار آلود زندگی را برای انسان ها روشن سازند. آن ها با بیان حکایات نغز و شیرین خود انسان را به تعقل و تفکر فرا می خوانند، زیرا با تعقل و تفکر و کشف دنیای برون می توان به دنیای درون راه جست. البته این امر فقط از طریق تعلیم و به مدد راهنمایی معلم آگاه و دردشناس محقق می شود.

منابع

۱. ارسطو، ۱۳۷۱، رتوریک، فن خطابه، ترجمه چرخیده ملکی، انتشارات اقبال، تهران
۲. اسلامی ندوشن، محمد علی، ۱۳۸۱، جام جهان بین، انتشارات ابن سینا، تهران
۳. بالایی، کریستف و کویلی پرس، میشل، ۱۳۶۶، سرچشمه های داستان کوتاه فارسی، ترجمه دکتر احمد کریمی حکاک، انتشارات پایپروس، تهران
۴. زرین کوب، عبدالحسین، ۱۳۸۶، حدیث خوش سعدی، انتشارات سخن، چاپ چهارم
۵. سعدی، شیخ مصلح الدین، ۱۳۸۱، گلستان، تصحیح و توضیح غلامحسین یوسفی، تهران، خوارزمی
۶. بوستان، تصحیح و توضیح غلامحسین یوسفی، تهران، خوارزمی
۷. محمد بن منور، اسرار التوحید، تصحیح محمدرضا شفیعی کدکنی، چاپ سوم، انتشارات آگاه، تهران
۸. موحد، ضیا، ۱۳۷۳، سعدی، نشر طرح نو، تهران
۹. همایی، جلال الدین، ۱۳۸۵، فنون بلاغت و صناعات ادبی، انتشارات هما، تهران